

مهر و ایمان

تحلیلی بر جایگاه محبت اهل بیت علیهم السلام در دین اسلام

دکتر عبدالمسکلی موحدی



مهر و ایمان

دکتر عبدالعلی موحدی

ناشر: مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر

نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۲

تعداد: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ: زنیق

تهران، خیابان مجاهدین، چهارراه آبسردار، ساختمان پزشکان، واحد ۹ تلفن و فاکس: ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶)

وب سایت: <http://www.monir.com>

info @ monir.com

شیراز: شاهچراغ) ۲۳۲۱۹۱۶-۷۱۱ • اصفهان (مهر قائم) ۲۳۲۱۹۹۵-۳۱۱ • دزفول (معراج) ۲۳۶۱۸۲۱-۶۴۱ • مشهد ۲۳۵۷۲۵۷-۵۱۱ • اهواز (رشد) ۲۳۲۱۷۰۱-۶۱۱ •

در صورت تمایل برای اطلاع از کتاب‌های جدید این مرکز شماره همبراه خود را به ۰۹۳۵۷۵۲۱۸۳۶ پیامک فرمایید.

۱۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۱۳
اهمیت و ضرورت موضوع	۱۳
آنچه در این نوشتار با آن مواجه‌ایم	۲۰
عرصه‌ی کاربردی مباحث	۲۶

بخش اول: جایگاه محبت در دین اسلام

فصل اول: محوریت محبت در دین	۳۳
۱ - ۱) ارزش اعمال به تعیین خداوند است	۳۵
۱ - ۲) روش عبودیت خداوند، با عقل معین نمی‌شود	۳۷
۱ - ۳) حب و بغض، جهت دهنده به اعمال است	۴۱
۱ - ۴) نقش عمده‌ی حب و بغض در دین	۴۲

فصل دوم: فضیلت و موضوعیت محبت اهل بیت علیهم‌السلام	۴۹
۲ - ۱) محبت اهل بیت علیهم‌السلام واجب است	۵۲

- ۵۴ محبت اهل بیت علیهم السلام هیچ‌گاه از وجوب نمی‌افتد
- ۵۶ (۲ - ۲) محبت اهل بیت علیهم السلام افضل عبادات است
- ۵۹ فصل سوم: محبت اهل بیت علیهم السلام اساس دین اسلام است
- ۶۲ (۱ - ۳) ملاک شناخت منافقین و کفار، حب علی علیه السلام است
- ۶۴ (۲ - ۳) ایمان، دایره مدار محبت اهل بیت علیهم السلام است
- ۶۶ (۳ - ۳) محبت اهل بیت علیهم السلام اساس دین اسلام است
- ۶۹ فصل چهارم: محبت اهل بیت علیهم السلام ملاک پذیرش اعمال است
- ۷۲ (۱ - ۴) محبت اهل بیت علیهم السلام شرط پذیرش اعمال است
- ۷۶ (۲ - ۴) بغض اهل بیت علیهم السلام سبب مردودی اعمال است
- ۷۸ (۳ - ۴) پذیرش توحید هم منوط به محبت اهل بیت علیهم السلام است
- ۸۳ فصل پنجم: برتری محبت اهل بیت علیهم السلام بر سایر اعمال
- ۸۶ (۱ - ۵) ثواب محبت اهل بیت علیهم السلام
- ۸۹ (۲ - ۵) رجحان حب علی بن ابی طالب علیه السلام بر سیئات
- ۹۱ (۳ - ۵) محبت اهل بیت علیهم السلام می‌تواند جبران‌کننده‌ی کمبود اعمال باشد
- ۹۶ (۴ - ۵) هیچ عملی نمی‌تواند از محبت اهل بیت علیهم السلام کفایت کند
- ۹۸ (۵ - ۵) نمونه‌های قرآنی
- ۱۰۱ (۶ - ۵) نمونه‌های روایی
- ۱۰۹ فصل ششم: رابطه‌ی مغفرت و محبت اهل بیت علیهم السلام
- ۱۱۲ (۱ - ۶) وعده‌ی خداوند بر مغفرت در قرآن

شرایط حصول مغفرت در قرآن	۱۱۵
هر وعده‌ی مغفرت در قرآن منوط به توبه نیست	۱۱۷
۶- ۲) محبت اهل بیت علیهم السلام شرط اساسی مغفرت خداوند است	۱۱۸
۶- ۳) وعده‌ی مغفرت، برای محبتان اهل بیت علیهم السلام	۱۲۱
۶- ۴) محبت اهل بیت علیهم السلام مایه‌ی از بین رفتن گناهان است	۱۲۷
۶- ۵) محبتان اهل بیت علیهم السلام بدون توبه هم شامل مغفرت الهی می‌شوند	۱۲۸
۶- ۶) دو کاربرد برای لفظ شیعه در روایات	۱۳۰
۶- ۷) لفظ «لَوْ» دلالت بر وقوع نمی‌کند	۱۳۱
۶- ۸) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ملائکه برای محبتان اهل بیت علیهم السلام طلب مغفرت می‌کنند	۱۳۲
۶- ۹) درگذشت از سیئات محبتان به خاطر حسناتشان	۱۳۵
۶- ۱۰) تبدیل سیئات به حسنات	۱۴۱
۶- ۱۱) محبت اهل بیت علیهم السلام مایه‌ی ثبات قدم بر صراط است	۱۴۴
۶- ۱۲) محبت حضرت زهرا علیها السلام مانع دخول در آتش است	۱۴۶
۶- ۱۳) وعده‌ی شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله برای محبتان اهل بیت علیهم السلام	۱۵۰
۶- ۱۴) وعده‌ی دخول در بهشت برای محبتان اهل بیت علیهم السلام	۱۵۲
۶- ۱۵) مراتب و مراحل غفران	۱۵۷
۶- ۱۶) محبتان اهل بیت علیهم السلام در آتش مخلّد نخواهند شد	۱۶۳
۶- ۱۷) سعادت حقیقی در محبت اهل بیت علیهم السلام است	۱۶۷

فصل هفتم: لوازم محبت اهل بیت علیهم السلام

۷- ۱) محبت اهل بیت علیهم السلام باید همراه بغض اعدا باشد	۱۷۴
۷- ۲) عمل، شرط صحت محبت نیست	۱۸۰

- ۱۸۱ ۷- ۳) ولایت اهل بیت علیهم السلام و محبت آنان در اثر مشابه است
- ۱۸۲ ولایت بدون محبت معنی ندارد
- ۱۸۳ محبت بدون ولایت نیز پذیرفته نیست
- ۱۸۴ ولایت و محبت شرط اساسی سعادت است

بخش دوم: نقد و بررسی شبهات

- ۱۹۱ فصل اول: موضوعیت محبت اهل بیت علیهم السلام
- ۱۹۳ ۱- ۱) محبت اهل بیت علیهم السلام طریقت دارد یا موضوعیت؟
- ۱۹۵ ۱- ۲) نقد و بررسی
- ۱۹۵ موضوعیت محبت اهل بیت علیهم السلام
- ۱۹۹ تشبیه محبتان به بیمارانی قیاس مع الفارق است
- ۲۰۱ فصل دوم: رابطه‌ی محبت و عمل در دین اسلام
- ۲۰۳ ۲- ۱) جمع بندی بین روایات تا حد امکان
- ۲۰۵ ۲- ۲) در روایات مربوط به محبتان و شیعیان دو بیان وجود دارد
- ۲۰۶ ۲- ۳) محبت سائق اعمال است
- ۲۰۹ ۲- ۴) هر کس جزای عمل هر چند کوچک خود را خواهد دید
- ۲۱۰ نقد و بررسی
- ۲۱۶ ۲- ۵) ولایت اهل بیت علیهم السلام جز با تقوا و ورع حاصل نمی‌شود
- ۲۱۹ نقد و بررسی
- ۲۲۴ ۲- ۶) تنها، عمل مایه‌ی نجات است
- ۲۲۶ عمل قلب، از عمل جوارح افضل است
- ۲۳۰ ۲- ۷) نکات مهم در جمع‌بندی بین روایات

فصل سوم: آیا اعتقاد به امامت نزد شیعه و اهل تسنن، شرط پذیرش اعمال

..... نیست؟	۲۳۳
۳ - ۱) نظریه‌ی شیعه به نقل مؤلف	۲۳۵
۳ - ۲) استضعاف در روایات	۲۴۰
۳ - ۳) نقد و بررسی آرای مؤلف مذکور	۲۴۴
مرحوم فیض نیز در باب استضعاف سخن می‌گوید	۲۴۴
گفت و گوی امام باقر علیه السلام و زراره	۲۵۱
عدم پرداختن به بحث استضعاف در این نوشتار	۲۵۶
شهادی صفین و فرمانش امیرالمؤمنین علیه السلام	۲۵۷
بیان امیرالمؤمنین علیه السلام عمومی نیست	۲۵۸
۳ - ۴) نظریه‌ی اهل تسنن به نقل مؤلف	۲۶۴
استناد یک جانبه به روایات، امری است ناصواب	۲۶۶
عقیده‌ی اهل تسنن درباره‌ی شیعیان	۲۶۹

فصل چهارم: تجزی

۴ - ۱) سوء برداشت عوامانه از روایات بحث محبت	۲۸۰
۴ - ۲) آیا آیات قرآنی نیز تجزی‌آور است؟	۲۸۱
۴ - ۳) برداشت تجزی از باب توبه	۲۸۲
تفاوت توبه و استغفار	۲۸۲
مراتب استغفار از گناه	۲۸۹
پذیرش توبه نیز منوط به محبت و ولایت اهل بیت علیهم السلام است	۲۹۰
۴ - ۴) کنه محبت اهل بیت علیهم السلام با تجزی سازگار نیست	۲۹۴
محبت، با ضعف نفس قابل جمع است	۲۹۶

۲۹۷	محبت اهل بیت علیهم السلام مجوز گناه نیست بلکه جبران کننده‌ی آن است
۳۰۰	۴ - ۵) ملاک امور، خاتمه‌ی آن هاست
۳۰۴	۴ - ۶) اثر گناه و کوچک شمردن آن
۳۰۴	کبیره شدن گناه
۳۰۵	اضرار بر گناه
۳۰۷	مکر الهی
۳۱۰	مرگ قلب
۳۱۵	۴ - ۷) تصور لحظه‌ای درنگ در عذاب
۳۲۷	۴ - ۸) خاتمه
۳۳۱	فهرست منابع

پیش‌گفتار

اهمیت و ضرورت موضوع

در دین اسلام که به عنوان دین مرضی خداوند، به دست خاتم الانبیاء ﷺ بر عالمیان عرضه شده است؛ محبت اهل بیت پیامبر گرامی ﷺ از جایگاهی رفیع و مقامی والا و ارزشی عظیم برخوردار است و دارایی چنان اهمیتی است که اجر رسالت خاتم المرسلین، مودت و محبت این خاندان ارجمند قرار داده شده است. هم چنین اثراتی بر آن بار شده است که هر کسی قدرت درک و فهم آن را ندارد. نظیر غفران جمیع ذنوب، هم نشینی با پیامبران و اولیای الهی، ترفیع مقامات و درجات اخروی و نظایر آن. از این روشبهاتی بر مضامین این گونه روایات وارد شده است و سعی شده است مضامین این گونه روایات، مخالف شریعت اسلام و عقل موهبتی از جانب خداوند متعال نشان داده شود. به عنوان نمونه: ابن تیمیه در رد ادله‌ی

کلامی در اثبات امامت، چنین می‌گوید:

«... و إِلَّا فَلَيْسَتْ مَعْرِفَةُ إِمَامٍ الْوَقْتِ بِأَعْظَمَ مِنْ مَعْرِفَةِ
الرَّسُولِ (ص) و مِنْ عَرَفَ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فَلَمْ يَوْمِنْ
بِهِ و لَمْ يُطِعْ أَمْرَهُ لَمْ يَحْضُلْ لَهُ شَيْءٌ مِنَ الْكِرَامَةِ و لَوْ آمَنَ
بِالنَّبِيِّ و عَصَاهُ و ضَيَّعَ الْفَرَائِضَ و تَعَدَّى الْحُدُودَ كَانَ
مُسْتَحْتَأً لِلْوَعِيدِ عِنْدَ الْإِمَامِيَّةِ و سَائِرِ طَوَائِفِ الْمُسْلِمِينَ
فَكَيْفَ يَمُنُّ بِعَرَفِ الْإِمَامِ و هُوَ مُضَيِّعٌ لِلْفَرَائِضِ مُتَعَدٍّ لِلْحُدُودِ
و كَثِيرٌ مِنْ هَؤُلَاءِ يَقُولُ حُبٌّ عَلَيَّ حَسَنَةٌ لَا يَضُرُّ مَعَهَا سَيِّئَةٌ و
إِنْ كَانَتْ السَّيِّئَاتُ لَا يَضُرُّ مَعَ حُبِّ عَلَيٍّ فَلَا حَاجَةَ إِلَى الْإِمَامِ
الْمَعْصُومِ الَّذِي هُوَ لَطْفٌ لِي التَّكْلِيفِ فَإِنَّهُ إِذَا لَمْ يَوْجَدْ،
إِنَّمَا تَوْجَدُ سَيِّئَاتٌ و مُعَاصِي فَإِنْ كَانَ حُبٌّ عَلَيٍّ كَافِيًا فَيَسَوَاءُ
وُجِدَ الْإِمَامُ أَوْ لَمْ يَوْجَدْ»^۱

ایشان بیان می‌دارد که معرفت امام از معرفت رسول خدا بالاتر
نیست و همان گونه که اگر کسی به پیامبر خدا ایمان آورد ولی
دستورات او را اجرا نکند و واجبات الهی را ضایع کند، مستحق عقاب
خواهد بود؛ هم چنین است حال آن که معرفت امام وقت را داشته باشد
ولی در راه اطاعت و عبادت نباشد. و اگر قرار باشد که محبت امام
کفایت کند و با وجود او معاصی ضرری نرساند، اصلاً به وجود خود
امام احتیاجی نخواهد بود. زیرا در نبود او نیز معاصی و گناهانی موجود
خواهد بود و آن‌ها نیز می‌تواند بخشوده شود.

هم چنین نویسنده‌ای پاکستانی به نام احسان الهی ظهیر در کتاب خود روایاتی را که شیعه، در مورد محبت ائمه علیهم‌السلام آورده است، یک جا دروغ و ساختگی می‌داند و شیعه را متهم به تأسیس دین جدیدی می‌کند که مغایر تعالیم رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد و انگیزه‌ی آن را هم شدت حب و احترام و علو مقام ائمه علیهم‌السلام در نزد شیعه به شمار می‌آورد و می‌گوید:

«... وَ قَدْ بَالَعَ الْقَوْمُ فِي مَوَالَةِ عَلِيٍّ وَ أَوْلَادِهِ، وَ حُبِّهِمْ وَ مَدْحِهِمْ مَسَالَةً جَاوَزُوا الْحُدُودَ، وَ أَسَّسُوا دِيَانَتَهُمْ وَ مَذْهَبَهُمْ حَتَّى صَارَ مَذْهَباً مُسْتَقِلاً وَ دِيناً مُنْفَصِلاً عَنِ الدِّينِ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ الصَّادِقُ الْمَصْدُوقُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ اخْتَرَعُوا رَوَايَاتٍ كَاذِبَةً، وَ اخْتَلَفُوا أَحَادِيثَ مُوضُوعَةً، وَ قَالُوا: أَنْ لَا دِينَ إِلَّا لِمَوَالِي عَلِيٍّ، وَ آلِهِ، وَ مُحِبِّهِمْ، أَظْهَاراً شُغُوفَهُمْ بِهِمْ، وَ مَوَدَّتَهُمْ فِيهِمْ، وَ احْتِرَامَهُمْ لَهُمْ وَ مُتَابَعَتَهُمْ إِيَّاهُمْ، وَ تَعَلُّقَهُمْ بِهِمْ، وَ نِسْبَتَهُمْ إِلَيْهِمْ كَذِباً وَ زُوراً كَمَا رَوَوْا...»^۱

و سپس چند روایت در فضیلت محبت اهل علیهم‌السلام را از مدارک شیعی نقل می‌کند و همه را کذب و دروغ می‌شمارد. و نظیر آن: کلماتی است که دیگر نویسنده‌ی عرب، در رساله‌ی دکترای خود، در ضمن بررسی تمام اعتقادات شیعه، در مورد محبت و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام، این گونه می‌نویسد:

«... و على هذا التقدير سَقَطَ الايمان بالله و رسوله و جميع العقائد الدينية، و جميع التكليفات و الاحكام الشرعية، و لم يبقَ فى شريعة الاسلام غير حبِّ عليّ، و هذه المفتریات قد أضلّت كثيراً ممّن يحبُّ الاباحة و يتبعُ الشهوات.

و هذه الروایات يلزمُ منها أن القرآن لم يُنزلْ لهداية الخلق، بل لضلالتهم إذ لم يُذكر فيه حبُّ عليّ و بغضه مع أنّه هو أصلُ دخول الجنة أو دخول النار. قال السويدى: «و إذا كان حبُّ الله و رسوله ﷺ غير كافٍ فى النجاة و الخلاص من العذاب بلايمان و عملٍ صالح فكيف يكون حبُّ عليّ كافياً و هذا مخالفٌ لقوله سبحانه ﴿مَنْ يَعْمَلْ سَوْأً يُجْزَ بِهِ﴾^١ و قوله ﴿وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ﴾^٢ بل مخالفٌ لأصولهم و رواياتهم أمّا المخالفةُ للأصول، فلأنّه إذا ارتكب الرافضى الكبائر و لم يُعاقبه الله على ذلك يلزم ترك الواجب على الله تعالى عندهم. و أمّا المخالفةُ للروایات فلأنّ عليّاً و السجادة و الائمة الآخرين قد روى عنهم فى أدعيتهم الواردة عندهم بطرُق صحيحة البكاء و الاستعاذة من عذاب الله تعالى، و إذا كان مثل هؤلاء الائمة الكرام خاشعين خائفين من عذاب الله فكيف يصحّ لغيرهم أن يغترّ بمحبّتهم و يتكلّ عليهم فى ترك

١. النساء (٤) / ١٢٣.

٢. الزلزله (٩٩) / ٨.

العمل»^۱ و انظر فی قولهم إنه لا یدخل النار إلا من أبغضه من الاولین و الآخرين تجد أنه یدلُّ صراحةً علی أنه لا یدخل النار مثل فرعون و هامان و قارون و سائر رؤساء الکفر و اتباعهم من الأمم الماضية لأنهم لم یُبغضوا علیاً، بل لم یعرفوه فانظر کیف أدی بهم الغلو، و لاشک أن هذه مقالة لا یتکلف فی ردّها، لأنّه معلوم بطلانها من الاسلام بالضرورة، و لو کان الامر كما یزعمون لما أرسلت الرسل و أنزلت الکتاب و شرّعت الشرائع»^۲

چنان‌که ملاحظه می‌شود این نویسنده نیز بر این اعتقاد است که اگر روایات محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) را بپذیریم، لازم‌هاش آن است که جمیع رسالت‌ها و جمیع عقاید دینی و احکام شرعی تعطیل و بی‌فایده شود و اگر قرار باشد که ولایت و محبت این خاندان اساس دین باشد، باید در قرآن کریم تصریحات فراوانی نسبت به آن وارد گشته باشد و حال آن‌که چنین نیست. سپس از یکی دیگر از نویسندگان عرب چنین نقل می‌کند که کافی دانستن محبت حضرت علی (علیه‌السلام) در نجات از آتش، مخالف قرآن و اصول مذهب شیعه و روایات شیعی است و ائمّه شیعیان که خود چنان ترس و وحشتی از عذاب الهی داشته‌اند، شایسته نیست که پیروان آن‌ها به واسطه‌ی محبت و اتکالشان نسبت به ائمّه خود، مغرور شوند. سپس نویسنده می‌گوید: اگر شرط دخول در آتش بغض اهل بیت (علیهم‌السلام) باشد لازم می‌آید که کفار و مشرکان ادیان گذشته در

۱. نقض عقائد الشیعه، السویدی / ۳۴-۳۵.

۲. اصول مذهب الشیعه، ۲ / ۵۷۷-۵۷۸.

آتش داخل نشوند. چرا که آن‌ها معرفتی نسبت به اهل بیت علیهم‌السلام نداشته‌اند، چه رسد به این که با آن‌ها دشمنی کرده و بغض آن‌ها را در دل داشته باشند و در آخر نیز مجدداً التزام به مضامین چنین روایاتی را مستلزم عبث و بیهوده بودن شرایع و کتب آسمانی می‌داند که حاوی اوامر و نواهی و احکام الهی می‌باشد.^۱

هم چنین در میان کلمات و نوشته‌های برخی علمای شیعه نیز اشکالاتی بر مضامین روایتِ مبحثِ محبتِ اهل بیت علیهم‌السلام وارد گشته است که نشان‌گر آن است که این روایات مستلزم دقت نظر و بررسی بیش‌تر و دقیق‌تر می‌باشد. به عنوان نمونه: عالم شیعی هاشم معروف حسینی در کتاب خود چنین می‌گوید:

«... آن چه درباره حدیث فوق باید گفت این است که این روایت از جعلیات است. زیرا خداوند دوزخ را برای کسانی که نافرمانی می‌کنند آفریده است، هر چند این نافرمانان از نزدیک‌ترین کسان به علی علیه‌السلام باشند و بهشت را نیز برای فرمان‌بران خلق کرده، اما هر چند این فرمان‌بران هیچ رابطه‌ای با رسول خدا و علی جز رابطه‌ی اسلامی و ایمانی نداشته باشند، آن گونه که قرآن مجید و احادیث صحیح نیز این حقیقت را مورد تأکید قرار می‌دهد. (افزون بر این) شیعیان به هر درجه‌ای از ولایت و ایمان به علی و فرزندان رسیده باشند هیچ امتیازی (مگر به تفریق) بر دیگران ندارند. درود و صلوات بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که به دخترش فاطمه می‌فرمود: «ای فاطمه عمل (صالح) به جای آر

۱. نظیر این شبهات در کتاب مختصر التحفه الاثنی عشریة صفحه ۲۰۵ نیز آورده شده

که من در مقابل خداوند، هیچ برای تو پاسخ‌گو نخواهم بود»، (هم‌چنین جای طرح این سخن است که) اگر لواط‌کنندگان و مفسدانی از شیعه را در کنار دیگر شیعیان فرمان‌بر اوامر الهی در بهشت قرار دهیم، لازمه‌اش این خواهد بود که این مفسدان در پیشگاه خداوند از دیگران پر ارج‌تر باشند (چرا که علی‌رغم گناه‌کاری در بهشت جای گرفته‌اند و دیگران با وجود عمل صالح به چنین منزلتی رسیده‌اند) به عقیده‌ی من، کسانی که چنین روایاتی ساخته‌اند نسبت به شیعه بد کرده‌اند و چهره‌ی حقیقی آن را زشت جلوه داده‌اند، چهره‌ای که امام صادق علیه السلام در سخن خود با یکی از شیعیان به آن اشاره دارد، آن‌جا که می‌فرماید: «از شیعیان ما نیست آن که در شهری زندگی می‌کند که در آن، چهل هزار نفر وجود دارد و در میان آنان کسی با ورع‌تر از او نیز هست».^۱

از آن‌جا که این شبهات و نظایر آن هم در بیان اهل تسنن و هم در کلمات و نوشته‌های عالمان شیعی به چشم می‌خورد بر آن شدیم تا طی بررسی این موضوع در میان روایات، پاسخی شایسته برای این قبیل اشکالات بدست آوریم و با استفاده از مضامین آیات و روایات مأثوره، با بدست آوردن محمل‌هایی برای روشن کردن صحت این‌گونه روایات، استبعادها و اشکالاتی را که به این دسته از روایات وارد می‌گردد، دفع کنیم و راه‌هایی برای جمع‌بندی بین روایاتی که ظاهراً مغایر هم به چشم می‌آیند، پیدا کنیم.

آن چه در این نوشتار با آن مواجه‌ایم

در بخش اول این نوشتار وارد این مبحث شده‌ایم که محبت در دین اسلام چه مقام و ارزشی دارد و آیا در این دین، به این عامل مهم در زندگی انسانی تا چه حد پرداخته شده است؟ و این که در میان حب و بغض‌های موجود در وجود آدمی، محبت اهل بیت علیهم‌السلام چه امتیاز و ویژگی‌ای دارد؟

در ابتدا این امکان مورد قبول واقع شده است که خداوند متعال می‌تواند با توجه به اهمیت مقوله‌ی محبت و نقش تعیین‌کننده‌ی آن در بسیاری از رفتارهای فردی و اجتماعی انسان، اثرات عمده و اساسی را در دین خود بر این عامل قرار دهد و حتی پاره‌ای از ثواب‌ها و عقاب‌های اخروی را بر پایه‌ی محبت و بغض، رضایت و عدم رضایت نسبت به افراد یا اعمالی بنا نهد و شواهدی در این زمینه نیز ارائه گردیده است.

بعد از قبول این امکان و پذیرش موارد و شواهد آن، به طور خاص در مورد محبت اهل بیت علیهم‌السلام گفت و گو شده است و بیان گردیده که خداوند متعال محبت این خاندان کریم را اساس دین خود قرار داده است. به این معنی که در صورت فقدان این محبت، دین و ایمان افراد مورد پذیرش نخواهد بود.

سپس در مورد ارتباط سایر اعمال و محبت اهل بیت علیهم‌السلام بحث شده و روشن گردیده است که در مورد پذیرش اعمال نیز محبت این بزرگواران اساس و رکن می‌باشد و زمینه‌ی پذیرش اعمال عبادی، محبت اهل بیت علیهم‌السلام است. سپس به طور خاص تر رابطه‌ی مغفرت

الهی و محبت اهل بیت علیهم‌السلام مورد بررسی قرار گرفته و در ذیل عناوین مختلف این نکته بدست آمده است که باز هم شرط شمول مغفرت الهی، همانا محبت پیامبر گرامی و ائمه‌ی اطهار علیهم‌السلام می‌باشد و وعده‌ی مغفرت در مورد محبان اهل بیت علیهم‌السلام محقق خواهد شد و نهایتاً این افراد داخل بهشت جاوید الهی خواهند گردید. هر چند عده‌ای از آن‌ها به واسطه‌ی اعمال زشتشان در مراحل مختلفی در عذاب الهی گرفتار باشند و این نکته به عنوان جمع‌بندی در بین روایات پذیرفته شده است که محبان، در عذاب جهنم مخلد نخواهند بود.

سپس در انتهای بخش اول از ولایت و معرفت این بزرگواران به عنوان عاملی هم‌سنگ محبت نام برده شده است. به این معنی که از آن‌جا که محبت و ولایت اهل بیت علیهم‌السلام در روایات دارای اهمیت، جایگاه و اثرات یکسانی هستند و تمام مراحل ذکر شده برای محبت اهل بیت علیهم‌السلام در بخش اول، در مورد ولایت این بزرگواران نیز به چشم می‌خورد، این نکته بدست می‌آید که محبت بدون ولایت و ولایت بدون محبت، در دین اسلام معنی ندارد و پذیرفته شدن نیست. بلکه محبت و ولایت به عنوان دو یار و دو قرین در نیل به سعادت و رستگاری ابدی معرفی گردیده‌اند و نمی‌توان به یکی تمسک جست و دیگری را رها کرد.

این امکان نیز پذیرفته شده است که اگر در بررسی میان روایات، عاملی دیگر هم‌وزن و هم‌ارز محبت و ولایت یافت گردد، آن نیز در کنار این دو عامل قرار گیرد و اثرات آن مورد بررسی واقع شود.

در این جا ذکر چند نکته ضروری است:

اولاً: این نوشتار ناظر به معرفی ارزش محبت اهل بیت علیهم السلام نگارش شده است و در این جزوه در صدد آن برآمده ایم که جایگاه محبت خاندان رسول گرامی اسلام صلوات الله علیهم اجمعین را تبیین کنیم و لذا اگر به مقوله های دیگر پرداخته نشده است، به این معنی نیست که عامل دیگری هم چون محبت در دین اسلام وجود ندارد. بلکه سعی شده است تا نشان دهیم که یکی از عوامل اساسی برای کسب رضایت الهی و رسیدن به حقیقت عبودیت و یکی از ارکان دین مرضی خداوند، جایگزین کردن محبت اهل بیت علیهم السلام در قلب است. به عبارت دیگر: بنا به مثل معروف که اثبات شیء نفی ما عداه نمی کند، دقت نظر و بررسی روی مقوله ی محبت مانع از بررسی دیگر مقولات نیست و همان طور که اشاره شد، این امکان نیز پذیرفته شده است که عواملی دیگر هم چون ولایت وجود داشته باشد که هم دوش این عامل، دارای ایفای نقش اساسی در دین اسلام باشد.

ثانیاً: با توجه به نکته ی اول، در مباحث نخستین این بخش، بحث ناظر به حداقل است. یعنی به طور ضمنی پذیرفته شده است که محبت اهل بیت علیهم السلام دارای مقام والا و ارزشی گران بهاست و در درجات کمالیه ی ایمان بسیار مؤثر است و چه بسا به پایه هایی از ایمان و درجاتی از معرفت تنها و تنها به سبب محبت اهل بیت علیهم السلام دست یافته شود؛ هم چنین این بحث مفروض گرفته شده است که بغض این بزرگواران نیز از چنان زشتی و قبحی برخوردار است که می تواند عامل خلود در آتش جهنم شود. اما آن چه مقصود ما بوده، این است که نشان

دهیم محبت به عنوان یک شرط اساسی در پذیرش ایمان و عمل انسان‌ها و خلاصی از آتش جهنم و نیل به رضای الهی در دین اسلام مطرح است و در صورت نبود این عامل در وجود انسان، هیچ چیز از او پذیرفته نیست و هیچ سعادت نصیب او نخواهد گشت. حتی نمی‌توان فرض کرد که کسی نه بغض این خاندان را داشته باشد و نه محبت اینان را و تنها یک سری اوامر و نواهی الهی را انجام دهد و انتظار فلاح و رستگاری داشته باشد.

لذا در مراجعه به روایات، بیش‌تر روایاتی مورد بررسی قرار گرفته است که این دیدگاه را مورد عنایت قرار داده است و از ذکر روایاتی که در زمینه بغض ائمه علیهم‌السلام وارد شده، به صورت مستقیم صرف نظر شده است. به این عنایت که اگر با ارض عدم محبت و عدم بغض، سعادت در کار نباشد به طریق اولی با وجود بغض آنان، شقاوت و بدبختی نصیب انسان خواهد شد و هم‌چنین اگر روایات ناظر به مقام و منزلت محبت، هم‌چون: **حُبُّهُمْ اِيْمَانٌ ... وَاِذَا حُبَّ عَلِيٍّ اِيْمَانٌ و...** کمتر ذکر شده است، به این عنایت است که می‌توان این روایات را به این معنی حمل کرد که معصومین علیهم‌السلام در نظیر چنین روایاتی در صدد بیان شرط کمال ایمان و معرفتی مراتب اعلای آن بوده‌اند، نه ناظر به حداقل شرایط پذیرش و قبول ایمان و اعمال صالح.

لذا بررسی روایات، بیش‌تر ناظر بر بدست آوردن پایه‌های اولیه‌ی ورود به رضایت الهی و ورود به دین مرضی خداوند بوده است.

ثالثاً: بیش‌تر مباحث این بخش از نوشتار، در ابتدا به صورت امکانی مطرح شده است. یعنی ابتدا با توجه به شواهد روایی و قرآنی، این امکان

پذیرفته شده است که فرضاً عملی مانند محبت، نقش اساسی در دین داشته باشد، یا شرط پذیرش اعمال باشد، یا از بین برنده‌ی اثرات دیگر اعمال سوء باشد و نظایر آن. سپس در سایه‌ی این امکان بدست آمده، روایاتی که مؤید و مثبت این گونه معانی باشد، ذکر شده است.

رایباً از آن جا که بررسی رجالی و سندی بر روی روایات، از عهده‌ی این نوشتار خارج است، لذا روایات ذکر شده در این جزوه به صورت «منقول است» و «نقل شده است» آورده شده است که احیاناً اسناد به غیر علم به معصومین علیهم السلام داده نشود و هم چنین سعی شده است تا آن جا که ممکن بوده، مدارک دستِ اوّل و مراجع روایی و موثق شیعی (و احیاناً اهل تسنن) دیده شود و از آن جا آدرس دهی گردد^۱ و البته در نکاتی که در جمع‌بندی بین روایات در آخر این بخش آمده است، این نکته به صورت دقیق‌تری اشاره شده است.

خامساً: با توجه به نکته‌ی بالا سعی شده است که در این نوشتار، دید مجموعی نسبت به روایات داشته باشیم. به این معنی که مطلبی که از مجموع یک سری روایات برداشت می‌شود، آن هم به صورت امکانی مورد پذیرش واقع شود نه این که از یک روایت خاص یک مطلب و یک نتیجه‌گیری به صورت متقن و حتمی برداشت گردد. چه احتیاج به علم الرجال و درایة الحدیث دارد که توانایی آن در این نوشتار حاصل نبوده است.

لذا توصیه می‌شود به روایاتی که در پاورقی آدرس دهی شده است و

۱. البته برخی منابع غیر دستِ اوّل نیز در پاورقی‌ها آدرس دهی شده است که به منظور

معرفی این منابع بوده است.

بعضاً با عبارت «به همین مضمون» و یا «نظیر آن» آورده شده است، مراجعه شود تا در این دیدگاه کمک بیش‌تری کند. هم‌چنین روایات مختلفی که در ابواب مختلف و تحت عناوین مختلف گردآوری شده نیز در مجموع می‌تواند در بدست آوردن دیدگاه و نظریه‌ی کلی این نوشتار نسبت به محبت اهل بیت علیهم‌السلام یاری کند. مثلاً: روایات مربوط در فصل‌ها و گفتارهای بخش اول در مجموع می‌تواند شرط اساسی بودن محبت را در دین برای ما روشن کند، حال یک بار از منظر اساس دین بودن، یک بار از دیدگاه شرط پذیرش اعمال بودن و یک بار از نظرگاه شرط حصول مغفرت و دخول در بهشت بودن و نظایر آن.

در بخش دوم این نوشتار نیز چند شبهه‌ی اساسی که در این مبحث وجود دارد به طور جداگانه بررسی و نقد شده و سعی شده است در سایه‌ی بحث‌های امکانی و قرآنی، اشکالات وارد بر مبحث محبت اهل بیت علیهم‌السلام مندفع شود. نظیر این که گفته می‌شود: محبت اهل بیت علیهم‌السلام طریقت دار دانه موضوعیت و این که با پذیرش مضامین روایات در این باب نقش عمل صالح کم‌رنگ و یا حتی بی‌رنگ می‌شود یا این که در مقابل این روایات، دسته‌ی دیگری از روایات نیز موجد است که نقش اساسی را تنها به عمل صالح داده است و این که اثرات بارشده بر محبت اهل بیت علیهم‌السلام مایه‌ی تجزیه افراد برگناه می‌شود. و نهایت این که در انتهای این بررسی‌ها به این نکته دست یافته‌ایم که:

اولاً: مقایسه بین اعمال و ارزش‌گذاری آن‌ها به علم و اراده و حکمت خداوند است.

ثانیاً: تأکید زیاد بر محبت، از بین برنده‌ی نقش عمل نیست و

این گونه نیست که خداوند از مآثنها محبت را خواسته باشد و لا غیر.
ثالثاً: محبت اهل بیت علیهم السلام مجوز بر ترک عمل صالح و ارتکاب معاصی نیست. بلکه جبران کننده است و بابی از ابواب فضل الهی است که شامل عده‌ای از بندگان می‌شود.
رابعاً: محبت، خود عاملی مؤثر در سوق دادن انسان‌ها به سوی طاعت خداوند و کسب رضایت اولیای گرامیش می‌باشد.

عرصه‌ی کاربردی مباحث

در انتهای پیش‌گفتار، حالی از لطف نیست که اشاره‌ای به نحوه‌ی کاربرد و میزان کارایی مباحث مختلف این نوشتار داشته باشیم و روشن کنیم که هر مبحث در چه حوزه‌ای مورد استفاده قرار گیرد تا شایسته‌ی آن باشد. در این ارتباط، مجال‌های در نظر گرفته شده برای استفاده‌ی مباحث، بدین صورت است:

یک زمینه، کاربرد آموزشی مطالب است که بیش‌تر ناظر به بیان عقاید شیعی می‌باشد.

زمینه‌ی دوم، دفع شبهات عقلی است که بعضاً به صورت استبعادها و انکارهای عقلی، ایراداتی به مضامین روایات محبت و اثرات آن وارد می‌گردد و این نوع مباحث می‌تواند استبعادهای عقلی را دفع کند.

زمینه‌ی سوم، دفع شبهات نقلی است. به این معنی که بعضاً به خاطر احاطه نداشتن به مجموعه‌ی روایات و آیات، یک حدیث منافی با شریعت انگاشته می‌شود و با توجه به مطالبی که در این زمینه ایراد می‌شود، می‌توان این شبهات را دفع کرد. البته جایی که شواهد قرآنی و یا

روایات شیعه و سنی استفاده می‌شود، مخاطبان بحث اعم از شیعه و اهل تسنن می‌باشند و آن‌جا که مجموعه‌ای از روایات شیعی بکار گرفته می‌شود، مخاطبان شیعی مورد عنایت قرار می‌گیرند.

با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت:

در بخش اول این نوشتار مطالب ارائه شده در فصل اول که البته به صورت مختصر و اشاره‌وار به آن پرداخته شده است استبعادات عقلی را مبنی بر اساس بودن محبت اهل بیت علیهم‌السلام در دین اسلام، دفع می‌کند. فصل دوم این بخش که به بررسی موضوعیت محبت اهل بیت علیهم‌السلام در دین اسلام می‌پردازد، می‌تواند جنبه‌ی آموزشی داشته باشد.

هم‌چنین فصل سوم که به اثبات اساس بودن محبت اهل بیت علیهم‌السلام در دین اسلام می‌پردازد علاوه بر جنبه‌ی آموزشی، می‌تواند شبهات نقلی را نیز برطرف کند. به خصوص که در گفتارهای اولیه‌ی آن از مدارک اهل تسنن نیز سند داده شده است.

در فصل چهارم به بحث پیرامون ملاک بودن محبت در پذیرش اعمال پرداخته شده است و بیش‌تر جنبه‌ی آموزشی دارد که با مراجعه به روایات مختلف این حقیقت را روشن می‌کند.

فصل پنجم، ضمن رجوع به روایاتی که میان محبت به عنوان یک عمل و دیگر اعمال از لحاظ ارزش مقایسه می‌کند و با توجه به مباهین روایی و آیات قرآنی، به رفع استبعادات و شبهات نقلی پیرامون مضامین روایات باب محبت می‌پردازد و به خصوص با توجه به آیات قرآنی، این حقیقت را که می‌توان به خاطر اصل از فرع درگذشت، به صورت امکانی مورد پذیرش قرار می‌دهد.

در فصل ششم، به بحث پیرامون رابطه‌ی مغفرت و محبت پرداخته

شده است که عمده‌ی این بخش جنبه‌ی آموزشی دارد. اما بحث مغفرت در قرآن و این که هر وعده‌ی مغفرتی در قرآن منوط به توبه نیست و بحث مراحل و مراتب غفران الهی که در ابتدا و انتهای این فصل به آن پرداخته شده است، می‌تواند پاره‌ای از شبهات نقلی را دفع کند و از پذیرش اثر مغفرت برای محبت اهل بیت علیهم‌السلام رفع استبعاد کند و نهایتاً پذیرش عدم خلود آتش برای محبتان را به عنوان جمع‌بندی بین روایات، آسان‌تر کند.

فصل هفتم نیز بیش‌تر پیرامون ولایت و محبت بحث شده است و می‌تواند در جمع‌بندی بین روایات و رفع برخی شبهات نقلی کمک شایانی کند.

در بخش دوم این نوشتار شبهاتی اساسی که به بحث وارد گشته است، مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فصل اول این بخش که موضوعیت محبت اهل بیت علیهم‌السلام اثبات می‌شود، به‌طور عمده شبهاتی را که در برخی کتب شیعی به مضامین روایت‌های مبّحت محبت وارد می‌شود، دفع می‌کند.

در فصل دوم آن‌جا که به این شبهه می‌پردازد که آن چه اصل است، عمل است و هر کس هر اندازه عمل داشته باشد، چه خیر و چه شر، به همان میزان پاداش و کیفر خواهد دید؛ در طقّ مباحثی روایی و قرآنی و اشاره به نکاتی در جمع‌بندی بین روایات، شبهات نقلی را مورد پاسخ قرار می‌دهد و استبعادهای مطرح شده در این باب را برطرف می‌سازد.

فصل سوم نیز به‌طور خاص پیرامون شبهات نویسنده معاصر کتاب راهی به سوی وحدت اسلامی به بحث پرداخته، بی‌اساس بودن استدلال‌ها و اشتباهات عمدی و یا غیرعمدی مؤلف را در نقل قول‌ها،

آشکار می‌سازد.

در فصل چهارم که عنوان تجرّی بر گناه به خاطر مضامین روایات محبّت اهل بیت علیهم‌السلام مورد بررسی قرار گرفته است، شبهات عقلی و بعضاً نقلی در این زمینه دفع گردیده است.

در این جا لازم است از تمامی دوستانی که در فراهم آمدن این اثر نویسنده را یاری کرده‌اند، تشکر و قدردانی شود. هم‌چنین از دو استاد بزرگوار آیه الله حاج سیّد عبدالعلی تقوی شیرازی و حجّة الاسلام حاج شیخ صادق فائق کمال تشکر و امتنان را مبذول می‌داریم که به حق با راهنمایی‌ها و تصحیحات عالمانه‌ی خود بر غنای این نوشتار افزودند.

به این امید که توانسته باشیم در سایه‌ی این بررسی‌ها قدمی ناچیز در کسب رضایت خداوند و اولیای برگوارش برداشته باشیم و این بضاعت مزجات، مایه‌ی فلاح و رستگاری ما گردد و توانسته باشیم اندکی از وظیفه‌ی سنگینی را که به دوش داریم، برآورده باشیم تا در پیشگاه ربّ العالمین خجل و شرمسار نباشیم.

فَتَّبَتْنِي اللَّهُ أَبَدًا مَا حَيَّتْ عَلَى مُوَالَتِكُمْ

وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينَكُمْ وَوَقَفَنِي لِطَاعَتِكُمْ

وَرَزَقَنِي شَفَاعَتَكُمْ

وَالسَّلَام

آبان ماه ۱۳۹۰ - ایام غدیر ۱۴۳۲

عبدالعلی موحدی